



تذکره

گزارش

معرفی

رصد

تاجی که شاه ریچارد بر سردخترانش گذاشت



به عقیده خیلی از علاقه‌مندان به سینما، فیلم‌ها جهانی را برای ما خلق کرده و ما را درون خودشان غرق می‌کنند تا با شخصیت‌های قصه‌ای که در جریان است ارتباط بگیریم و تا پایان با آنان همراه شویم. گاهی این جهانی که خلق می‌شود به اندازه‌ای نیست که آن شخصیت‌ها به خوبی در آن قرار بگیرند. یعنی آن شخصیت‌کلیدی، بزرگ‌تراز آن جهان است و نیاز به پرداخت بیشتری دارد. معمولاً پدرها از این دست شخصیت‌ها هستند که در فیلم‌ها آن‌گونه که باید پرداخت نمی‌شوند و این امر باعث کوچک شدن جهان آن فیلم می‌شود. اما در این میان، فیلم «شاه ریچارد» نمایانگر پدری تلاشگر است که برخلاف آن چیزی که گفته شد، توانسته جهانی به اندازه خلق کند و همین موضوع باعث لذت بردن ما از لحظات این فیلم شده است.

ریچارد ویلیامز پدر پنج دختر است و به گفته خودش، از روزی که هرکدام به دنیا آمدند، برای هر روزشان برنامه‌ریزی کرده است؛ برنامه‌ریزی‌ای که دارای وجه مختلفی مانند تحصیل، تفریح، ورزش و کار است. او استعدادیاب و مربی خبره‌ای است. در میان دخترهایش دو تا از آنها را که ونوس و سرنا نام داشتند برای تنیس انتخاب کرد. روزها آنها را برای تمرین به زمین تنیس می‌برد و شب‌ها در یک فروشگاه نگره‌بانی می‌داد. او آرزو داشت که آن دو در تنیس موفق شوند. داستان این فیلم درباره تلاش ریچارد برای موفقیت این دو خواهر است که حقیقتاً بسیار پرکشش و دقیق روایت می‌شود.

همسر ریچارد یعنی مادر دخترها، نقش کلیدی در زندگی این تنیس‌بازها دارد. وقتی ونوس توسط پدرش برای تمرین به باشگاه معروفی می‌پیوندد، سرنا توسط مادرش تعلیم می‌بیند. آن چیزی که به نظر می‌آید این است که داستان یک طرفه روایت نمی‌شود، یعنی پدر در کنار مادر است که می‌تواند یک خانواده بسازد. هرکدام وظایفی را به عهده می‌گیرند و یک جمع مستحکم را تشکیل می‌دهند.

کارگردانی درخشان و موسیقی‌گیری این فیلم به ما این اجازه را می‌دهد که به لحظه‌لحظه داستان همراه شویم. یکی از شاخصه‌های فیلم خوب، درگیری عمیق مخاطب با اثر بوده که در این فیلم کاملاً قابل لمس است. داستان این فیلم براساس واقعیت ساخته شده و آن دو خواهر تبدیل به بزرگ‌ترین تنیس‌بازهای جهان شدند. بدون شک تلاش‌های ریچارد در موفقیت ونوس و سرنا بسیار مهم بوده است. اما آیا شما اگر پدری مانند ریچارد که عملاً تمام زندگی شما براساس تصمیمات او جلو می‌رود، داشتید، به تمام خواسته‌های او عمل می‌کردید تا به موفقیت برسید یا راه خودتان را می‌رفتید؟

اینجا کنترل دست پدرهاست!

معرفی نوپدر سینما از زبان نوجوانه

زینب اکبری

برگزیده
چشواره
فیلم کوتاه
مدرسه

اگه بنا بود شما فیلمی در مورد یک پدر بسازید، آن پدر را چگونه به تصویر می‌کشیدید؟ این سوالی است که کارگردان‌ها و نویسندگان سینما، جواب‌های بسیار مختلفی برای آن دارند. برخی پدرهای سینمایی سختگیرند، آن‌طور که بی‌اجازه‌شان آب از آب تکان نمی‌خورد و کوچک‌ترین بی‌نظمی و نافرمانی از چشم‌شان دور نمی‌ماند. در بعضی فیلم‌ها پدرها مظلومند، بیشتر از همه زحمت می‌کشند و کمتر از همه در خانه به چشم می‌آیند. بعضی پدرها هم از بچه‌های‌شان پر جنب و جوش‌تر و پرسروصداترند؛ آن‌طور که یک نفر باید بیاید و به جای بچه‌ها، پدرها را کنترل کند! اما یک چیز در همه پدرها، هرطور که باشد مشترک است. همه‌شان به شکل انکارناپذیری فراموش‌نشده‌ای اند. نمی‌شود که پدر را روی پرده دید و دیگر اخم‌ها و لبخندهایش نشد یا قصه‌ای را شنید که در آن پدری باشد اما آن را بدون پدر به خاطر آورد. پزشک‌ها می‌گویند حضور پدر حتی از همان زمانی که جنین هنوز به دنیا نیامده روی سلامتی‌اش تأثیر دارد. روان‌شناس‌ها می‌گویند رابطه پدر و فرزند یکی از جدی‌ترین عوامل سلامت کودک در نوجوانی و بزرگسالی است و نویسنده‌ها می‌گویند اگر می‌خواهی داستانت را کسی فراموش نکند، یک پدر فراموش‌نشده خلق کن! پدرهایی شبیه همین‌هایی که در فیلم‌ها و انیمیشن‌های این شماره وجود دارند و هرکدام‌شان گوشه‌ای از خاطرات ما از سینما را ساخته‌اند؛ سینمایی با رنگ و بوی پدرانه!

فیلم حوض نقاشی

قلب‌شان خیلی سریع از بین می‌رود. با بزرگ‌تر شدن سهیل، او به تدریج می‌فهمد که پدر و مادرش فرقی اساسی با سایر پدر و مادرها دارند.

برای همین هم بعد از مدتی از داشتن والدین دارای معلولیت خسته می‌شود و ترجیح می‌دهد مدتی را در خانه معاون مدرسه‌شان و با خانواده او زندگی کند. پدر و مادر سهیل به شدت نگران فرزندان‌شان هستند و نمی‌توانند دوری‌اش را تحمل کنند. آنها حاضرند هر کاری انجام دهند تا سهیل به خانه‌اش برگردد.

شاید در ذهن بعضی از انسان‌ها شخصیت پدر با خاموش کردن کولر و کنترل تلویزیون جلوه داده شود اما در حوض نقاشی خواسته این پدر استفاده از کولر و تلویزیون نبود بلکه آرزویش دیدن و صحبت کردن با پسرش بود.

در این فیلم احساس پدرانگی و مادرانگی به خوبی نمایش داده شده و بیننده با تمام وجود آن را درک می‌کند، به‌طوری‌که بیننده را به دنبال کردن و رسیدن به انتهای فیلم تشویق می‌کند زیرا امروزه مشکل خیلی از بچه‌ها کنار آمدن با پدر و مادرهاست اما پدر در این فیلم به قدری دوست‌داشتنی است که انگار همه ما وقتی خودمان را جای سهیل می‌گذاریم، می‌توانیم دوستش داشته باشیم یا به نظرمان می‌رسد که هیچ اختلاف نظری با پدرها آن قدری اهمیت ندارد که این رابطه قشنگ را خراب کند. علاوه بر این، حوض نقاشی به دلیل فیلمنامه و کارگردانی مناسب، می‌تواند روی احساسات بیننده تأثیر بگذارد.

شاید در سینما فیلم‌های زیادی درباره شخصیت ارزشمند پدر ساخته شده باشد اما این اثر با بازی شهاب حسینی در نقش پدری معلول که حاضر است چند نوبت کار کند تا خانواده‌اش در آرامش باشند، می‌تواند یکی از بهترین‌ها را در این موضوع باشد. پدری که در اوج عشق و محبت به فرزندش از نقص خود نیز مطلع است و دوست دارد از طریق صحبت کردن با فرزندش احساسش را به اشتراک بگذارد.

از نظر شما تولید آثار نمایشی برای تقدیر از پدران دارای معلولیت جسمی باعث تغییر افکار بعضی از مردم نسبت به آنها می‌شود؟



شاید شما هم تا به حال واکنش مردم به فردی را که دارای معلولیت است، دیده باشید. بعضی‌ها با پوزخندی تمسخرآمیز آن فرد را به یکدیگر نشان می‌دهند، برخی دیگر با بی‌تفاوتی رد می‌شوند و بعضی با نگاه‌هایی سرشار از ترجم به فرد خیره می‌شوند. تمام این واکنش‌ها به نوعی برای فرد دارای معلولیت آزاردهنده است، چه برسد به این‌که بخواهد برای پدری اتفاق بیفتد که پسرش دارد به او نگاه می‌کند!

شاید خیلی از شما سینمایی حوض نقاشی را دیده باشید. در این فیلم پدر و مادری مهربان و دارای معلولیت، با پسرشان سهیل زندگی می‌کنند.

روزهای خوشی را در کنار هم رقم می‌زنند و مانند دیگر خانواده‌ها بعضی اوقات جرو بحث‌هایی با هم دارند که به دلیل پاک بودن

مفتودی

سند کمیته‌ی وسیله نقلیه پژو ۲۰۶ سال ساخت ۱۳۸۴
به رنگ نقره‌ای - منالیک به شماره موتور
FSM84689881 و شماره شاسی
83617901 پلاک انتظامی ۵۵۸ س ۸۷
ایران ۳۵ به نام علی شیخیعلی تژاد با کدملی
۶۴۶۰۴۰۰۱۳۸۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبزو سند کمیته‌ی سند AX مدل ۱۳۹۰ رنگ
سفید، شماره پلاک ۲۸۸ ب ۲۲ ایران ۷۶، شماره موتور
2006098 شماره شاسی NAAC91CC7CF885311 به نام
سادگار قدسی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

آقای علی پاشائی فرزند خداشکر دارای شناسنامه شماره ۸۱۳
انتهای می‌دارد که اصل شناسنامه پایان تحصیلات ایشان که تحت
شماره مورخ ۱۳۸۷ توسط دانشگاه علم و صنعت ایران صادر
گردیده مفقود شده است. به موجب این آگهی اعلام می‌دارد
که اصل شناسنامه پایان تحصیلات نامبرده ابطال شده و از پابنده
درخواست می‌کند مدرک فوق را به اداره فارغ التحصیلان دانشگاه
علم و صنعت ایران تسلیم یا ارسال نماید.

روزنامه جام جم
۴۹۱۰۵۰۰۰
مازمن آگهی‌های
روزنامه جام جم